صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و هنری راه روشن
مدیر روابط عمومی: سید علی ساداتی نژاد
خبرنگاران: شیوا قزوینه ، فاطمه بصیرتی
طراح و صفحه آرایی : علی دشتی منفرد ، حمید رضا کلیابی
آدرس: کاشان-بلوار باهنر-کوی شهید متقی- پلاک ٥٤- مجتمع راه روشن
بازرگانی: ۰۹۱۳۹۶۲۶۳۸۶
مدیر مسئول: سید حسین ساداتی نژاد
مدیر بازرگانی: فاطمه بصیرتی
سردبیر: محمد ادریسی
دبیر پژوهشی: مجتبی خندان
دبیر فرهنگی : محمد مهدی سعیدی
امور چاپ: چاپخانه صمیم
روابط عمومی: ۰۹۱۳۹۶۱۸۰۹۸

حدیث روز

امام سجاد علیه السلام :
اللّهُمَّ إنّی أعتَذِرُ إلَیکَ مِن مَظلومٍ ظُلِمَ بِحَضرَتِی فلَم أنصُرهُ، و مِن مَعروفٍ اُسدِیَ إلَیَّ فلَم أشکُرهُ، و مِن مُسیءٍ اعتَذَرَ إلَیَّ فلَم أعذِرهُ .
بار خدایا! من از درگاه تو عذر می‌خواهم اگر در حضور من به ستمدیده‌ای ستم رسیده و من یاریش نرسانده‌ام، و اگر به من نیکی و احسانی شده و من سپاسگزاری نکرده‌ام، و اگر بد کننده‌ای از من پوزش خواسته و من پوزش خواهی او را نپذیرفته‌ام.

هیچ‌کس «کول نماز*» نبود، کاهلی در جنگ ممنوع!

بچه‌ها یکی دو ساعت قبل از اذان صبح آهسته آهسته از چادرها بیرون می‌زدند. هوا سرد بود وعده‌ای پتو به خود می‌پیچیدند و خلوتی برای عبادت پیدا می‌کردند، بیشتر نماز شب خوان‌ها برای خودشان قبری کنده بودند و شبانه داخل آن می‌رفتند. اصلاً فراموش می‌کردم که من یکی از این جماعتم.

فقط محو آنان می‌شدم. ته دل از این روحیه بالا به قدری خوشحال بودم که گاهی کنار یک قبر می‌نشستم و به نجوای آمیخته با اشک و انابه بسیجی‌ها گوش می‌دادم و بیشتر اوقات با حال خود می‌گریستم که چرا مثل این‌ها نیستم. نزدیک‌های اذان صبح هیچ چشمی نخوابیده بود با وجود خستگی ناشی از تمرین‌های روزانه هیچ‌کس «کول نماز» نبود. «

(آب هرگز نمی‌میرد،حمید حسام،ص۳۴۶.)

صحنه‌هایی که از جبهه‌های دفاع مقدس توصیف می‌کنند،چقدر زیبا و تماشایی است. در این صحنه‌ها انسان‌هایی به تصویر کشیده می‌شوند که مصداق کلام رهبری هستند؛ انسان‌های معمولی که به میدان جنگ رفتند اما عارف الهی از میدان بیرون آمدند. سلوک عاشقانه این انسان‌ها در دل شب و در قبل از عملیات‌ها،سبب پیروزی آن‌ها می‌شد،زیرا آن‌ها دردل شب عاشاقانه‌ها با معبود و معشوق خود داشتند و در روز شیر بیشه نبرد بودند. دلیران جبهه‌های جنگ با نفس خود مبارزه کردند.آثار این مبارزه در اعمال و رفتارشان هویدا بود و نشان از پیروزی آن‌ها در جهاد اکبر داشت. آن‌ها سنگرریزه‌های «رمی جمراتشان» را پرتاب کرده‌بودند وتیرشان در وسط چشمان شیطان جا گرفته‌بود، از رزم جانانه و نفس‌گیر با شیطان به سلامت گذر کردند تا این‌که توانستند درجبهه‌های شلمچه،هویزه،دشت عباس و مجنون ... به دفاع از اسلام بپردازند.آن‌ها دلاورانه با دشمن درون و بیرون خود جنگیدند و پیروز شدند.

حالا هنگامه سربازی ما برای امام زمانمان است.نه تنها «کول‌نماز» نباشیم بلکه در راه مبارزه و در این جنگ ترکیبی که دشمن به راه انداخته کاهلی نکنیم.در جنگ ترکیبی به باورهای دینی و باورهای سیاسی حمله می‌شود. دشمن از رسانه و از نفوذ استفاده می‌کند و هدفش ناامیدکردن مردم است.اما وظیفه ما در این جنگ ایستادگی و استقامت در راه خدا است.همان طور که قرآن‌کریم می‌فرماید:» فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا ۚ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ پس تو چنان که مأموری استقامت و پایداری کن و کسی که با همراهی تو به خدا رجوع کند نیز پایدار باشد، و (هیچ از حدود الهی) تجاوز نکنید که خدا به هر چه شما می‌کنید بصیر و داناست.»

*کول نماز: اصطلاح لری کاهل نماز، کسی که در امر فریضه نماز سستی می‌ک

صدیقه طهماسبی‌نژاد

قائم‌پناه مطرح کرد:اتمام پروژه‌های نیمه‌تمام از محل مولدسازی

معاون اجرایی رئیس جمهور با تاکید بر ضرورت نیازسنجی دقیق پروژه‌های استانی در هزینه‌کرد درآمدهای ناشی از مولدسازی گفت: اولویت ما در هزینه‌کرد منابع حاصل از مولدسازی پروژه‌های نیمه تمام است و این پروژه‌ها نسبت به نیاز هر استان تعریف می‌شوند.

محمدجعفر قائم‌پناه معاون اجرایی رئیس‌جمهور در پانزدهمین جلسه کمیته عمرانی پایش طرح‌های نیمه تمام خاطرنشان کرد: با توجه به ابلاغ مقام معظم رهبری و چهارچوب‌های تعریف شده از سوی سران سه قوا، املاک مازاد متعلق به دولت فروخته شده و برای تکمیل پروژه‌های نیمه تمام هزینه می‌شود.

وی گفت: این جلسات به صورت مستمر تشکیل شده و استان‌ها پیشنهادات خود را ارائه می‌کنند، املاک مازاد و قیمت کارشناسی شده به تصویب شورای‌عالی می‌رسد، اما در خصوص تصویب پروژه‌ها و اینکه تخصیص اعتبار برای چه پروژه‌هایی از محل فروش مازاد املاک و دارایی‌های دولت صورت گیرد مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌گیرد و تصمیم‌گیری می‌کنیم که درآمد ناشی از فروش املاک صرف چه اقداماتی شود.

معاون اجرایی رئیس‌جمهور با تاکید بر اینکه تا اتمام پروژه‌های نیمه تمام اولویت‌دار نباید پروژه جدیدی تعریف شود، تصریح کرد: اولویت ما پروژه‌های نیمه‌کاره و رو به اتمام است و نسبت به نیاز هر استان این پروژه‌ها تعریف می‌شود. قائم‌پناه خواستار تشریح شفاف و روشن پروژه‌ها از سوی استان‌ها شد و گفت: میزان پیشرفت فیزیکی و صورت وضعیت پروژه‌ها باید به صورت شفاف و دقیق ارائه شود. در این جلسه پروژه‌های مربوط به استان‌های گلستان، مرکزی و اصفهان شامل تکمیل ورزشگاه، سالن ورزشی، ۴ پروژه بهداشتی و درمانی، ۹ مدرسه و ۴ پروژه حوزه جهادکشاورزی مورد بررسی و تصویب قرار گرفت.

هشدار فقر یادگیری؛دانش‌آموزان در مدرسه‌اند اما یاد نمی‌گیرند

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، با بیان اینکه ۴۰ درصد دانش‌آموزان فقر یادگیری دارند، گفت: برخی دانش‌آموزان با وجود حضور در مدرسه، مهارت‌های پایه سواد را به درستی کسب نمی‌کنند.

رضوان حکیم‌زاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، در گفت‌وگویی به بررسی موضوع فقر یادگیری در دانش‌آموزان دوره ابتدایی پرداخت.

وی توضیح داد: فقر یادگیری به شرایطی اطلاق می‌شود که دانش‌آموزان با وجود حضور در مدرسه، مهارت‌های پایه سواد را به درستی کسب نمی‌کنند. این مهارت‌ها شامل خواندن، نوشتن، حساب کردن و سخن گفتن است.

اهمیت دوره ابتدایی در یادگیری

حکیم‌زاده با تأکید بر اهمیت دوره ابتدایی گفت: این دوره زیربنای موفقیت‌های تحصیلی در سال‌های بعد است. اگر دانش‌آموزان در سه سال نخست این دوره مهارت‌های اصلی سواد را به‌خوبی یاد بگیرند، عملکرد تحصیلی بهتری خواهند داشت. اما گروهی از دانش‌آموزان به دلایل مختلف دچار ضعف در این مهارت‌ها می‌شوند و عملاً از یادگیری بازمی‌مانند.

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش با تأکید بر اهمیت مهارت‌های سواد پایه به‌عنوان بنیان یادگیری گفت: هر کودکی باید در مهارت‌های سواد پایه به سطح مطلوبی از توانایی دست پیدا کند چراکه این مهارت‌ها زیربنای یادگیری مهارت‌های پیشرفته‌تر هستند.

وی با اشاره به چالش فقر یادگیری به‌عنوان یکی از مسائل جدی آموزش ابتدایی گفت: صرفاً حضور دانش‌آموز در مدرسه به معنای یادگیری مطلوب نیست. بسیاری از دانش‌آموزان، به‌ویژه در مناطق کمتر برخوردار و دوزبانه، مهارت‌های سواد پایه را به‌طور کامل فرا نمی‌گیرند. این ضعف یادگیری، شانس موفقیت تحصیلی و شغلی آن‌ها را به‌طور چشمگیری کاهش داده و با اصول عدالت آموزشی و توزیع برابر فرصت‌های یادگیری در تضاد است.

ارتباط فقر یادگیری و نرخ تکرار پایه

حکیم‌زاده همچنین بر تأثیر کاهش فقر یادگیری در بهبود شاخص‌های آموزشی تأکید کرد و گفت:

رفع این مسئله تأثیر مستقیمی بر کاهش نرخ تکرار پایه دارد. هرچه فقر یادگیری کمتر شود، نرخ تکرار پایه نیز کاهش می‌یابد و در نتیجه کیفیت آموزش ابتدایی بهبود پیدا می‌کند.

برنامه‌های جبرانی برای کاهش فقر یادگیری

وی افزود: در برنامه‌ریزی‌های آموزش و پرورش، این دسته از دانش‌آموزان به‌عنوان گروه‌های لازم‌التوجه در حوزه آموزش تعریف شده‌اند. برای شناسایی آنها، معلمان کلاس‌های درس نقش اصلی را ایفا می‌کنند. پس از شناسایی، باید برنامه‌های جبرانی با محوریت مدرسه و تحت راهبری مدیر مدرسه طراحی و اجرا شود.

حکیم‌زاده با اشاره به تفویض اختیار به استان‌ها بیان کرد:مدیریت و برنامه‌ریزی برای شناسایی دانش‌آموزان بازمانده از یادگیری به استان‌ها سپرده شده است. هر استان موظف است برنامه‌های ویژه‌ای برای این گروه طراحی کند تا مهارت‌های پایه آنها تقویت شده و فقر یادگیری کاهش یابد.

اهمیت سال‌های ابتدایی در کاهش مشکلات آموزشی

معاون آموزش ابتدایی در پایان یادآور شد: سه سال نخست دوره ابتدایی نقش تعیین‌کننده‌ای در یادگیری دانش‌آموزان دارند. توجه به این دوره می‌تواند مشکلات یادگیری در سال‌های بعد را کاهش دهد. فقر یادگیری علاوه بر ضعف تحصیلی، باعث افت عملکرد دانش‌آموزان در سایر مقاطع نیز می‌شود. بنابراین، همزمان با تلاش برای جذب بازماندگان از تحصیل، باید ارتقای مهارت‌های پایه سواد در اولویت قرار گیرد.

دروغ بزرگی که کارگاه تولیدی را تعطیل کرد

رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات تهران بزرگ از شناسایی و کشف پرونده با موضوع نشر اکاذیب علیه فعالیت یک کارگاه تولیدی در کشور خبر داد و گفت: پس از انتشار این مطلب دروغ تولید این کارگاه بدلیل عدم اعتماد شهروندان به نحوه فعالیت این شرکت متوقف شده بود.

سردار داود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتا تهران بزرگ اظهار داشت: در پی مراجعه نماینده حقوقی یک کارگاه تولیدی به پلیس فتا پایتخت مبنی بر نشر اکاذیب علیه فعالیت این شرکت در شبکه اجتماعی اینستاگرام توسط فرد یا افرادی ناشناس، اقدامات اولیه برای کشف پرونده آغاز شد.

رئیس پلیس فتا پایتخت ادامه داد: پس از ارائه مستندات توسط شاکی و بررسی های علمی و فنی توسط کارشناسان پلیس فتا تهران بزرگ متهم که مرد جوانی بود در فضای مجازی شناسایی و پس از تشریفات قضایی در یکی از شهرهای حومه تهران دستگیر و به همراه تجهیزات الکترونیک به پلیس فتا منتقل شد.

وی گفت: متهم پس از حضور در پلیس فتا پایتخت در ابتدا منکر بزه انتسابی شد؛ اما پس از مواجه شدن با دلایل، مدارک و مستندات موجود در پرونده، چاره‌ای جز اعتراف پیش روی خود ندید و هدف خود را از این موضوع انتقام‌جویی و داشتن کینه‌ای قدیمی از شاکی اعلام کرد و از عمل مجرمانه خود پشیمان بود.

رئیس پلیس فتا تهران بزرگ توصیه کرد: رعایت اصل اخلاق‌مداری در استفاده از فضای مجازی به ویژه شبکه‌های اجتماعی یکی از الزامات فعالیت در این حوزه است و کاربران فضای مجازی باید مراقب رفتار خود در فضای مجازی باشند تا از روی جهل یا انتقام‌جویی برای دیگر کاربران ایجاد مزاحمت ننمایند که در غیر این صورت برابر قانون با آن‌ها برخورد می‌شود.

به گزارش سایت پلیس، سردار معظمی گودرزی خاطر نشان کرد: پلیس فتا به‌صورت شبانه روزی آماده پاسخگویی به شهروندان بوده و کاربران می‌توانند در صورت مواجهه با هرگونه موارد مشکوک آن را از طریق مرکز فوریت‌های سایبری به شماره تلفن ۰۹۶۳۸۰ و یا سایت پلیس فتا به آدرس www.fata.gov.ir با ما در میان بگذارند.

قصهٔ پر غصهٔ فرش دستباف ایرانی

فردی که در راس سازمان ملی فرش قرار می گیرد می‌بایست شایستگی رهبری ۸ میلیون جمعیت شاغل در این صنعت را داشته باشد

شهزاد بهادری - محمد عابدی عضوی از خانواده فرش دستباف ایرانی؛ امیدوارم در دولت دکتر پزشکیان، رئیس جمهور منتخب و مردمی، برای انتصاب مدیریت‌ها در سازمان ملی فرش؛ شایسته سالاری، شایسته‌یابی ،شایسته گزینی، شایسته گماری و شایسته پروری را در نظر بگیرند. شایسته سالاری به معنای انتصاب فردی است که مرتبط با این هنر؛ تحصیلات، تجربه ی کاری و توانمندی بیش از دیگران داشته باشد در واقع شایستگی رهبری ۸ میلیون جمعیت شاغل در این صنف را داشته تا در آینده‌ای نزدیک شاهد رشد و شکوفایی هنر فرش دستباف باشیم و این مقدور نیست مگر از تجربیات کارآفرینان، مدیران، نخبگان و دانشگاهیان استفاده کنیم .نمی‌شود که ما در دانشگاه‌های خود رشته‌ای به نام رشته فرش داشته باشیم.اما در حفظ اصالت و فرهنگ این هنر ناتوان عمل کنیم.

فرش دستباف ایرانی ،هویت ،فرهنگ و هنر ایرانیان را در میان تار و پود ،نقشه ها و رنگ های زیبایش به امانت دارد

فرش دستبافت ایرانی تنها یک هنر نیست بلکه یکی از بخش های مهم اقتصادی کشور است که امروز با «پیمان ارزی»زندگی نزدیک به ۸ میلیون نفر که هر کدام به نوعی از طریق این هنر ائم از (تولید کننده های نخ، اساتید طراحی نقشهٔ فرش، تولید کنندگان دارقالی ،خانوادهٔ بزرگ بافنده همچنین تجار) را در معرض خطر و حتی نابودی کشانده است.

این گفته‌ها؛ گوشه‌ای از سخنان محمد عابدی»مدیرعامل شرکت ریسندگی عابدی در اصفهان» است .مردی که از نوجوانی در کنار پدر با روند تولید نخ پشمی آشنا و زندگیش با شادی‌ها ،گریه‌ها و مشکلات هنرمندان بافنده ی فرش دستباف، گره می خورد.

محمد عابدی علی رغم اینکه اگر اراده کند می‌تواند در هر کسب و کاری موفق باشد خود را از خانواده ی فرش دستباف ایرانی جدا ندانسته و امروز با حاضر شدن در دفتر روزنامه ،عزم خود را جذب کرده تا بلکه از طریق رسانه‌ها بتواند صدای شکسته شدن آخرین استخوان‌های فرش دستباف را در میان چرخ دنده‌های تصویب قانون‌های دست و پاگیر به گوش مسئولین برساند.

وی ایمان دارد که پرچم دوم کشور، فرش دستباف ایرانی‌ست و معتقد است تنها با حذف (قانون پیمان ارزی) پرچم‌فرش ایرانی می‌تواند بار دیگر بر بلندترین قله‌های دنیا به اهتزاز درآید.

لطفا در خصوص نقش ارز آوری فرش دستباف توضیحاتی را بفرمایید؟

همانطور که اشاره کردم جامعه ی فرش دستباف نزدیک به ۸ میلیون نفر هستند که تقریباً ۱۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. ابتدا اجازه بدهید به آمار فروش فرش دستباف در سال ۱۳۷۳ نگاهی بیندازیم. آمارتایید شده نشان می‌دهد که ۲ میلیارد و هفتصد میلیون دلار حاصل از فروش و صادرات فرش دستباف برای کشور ارزآوری داشته است یعنی یک دهم صادرات نفت. در واقع فرش دستباف رتبه دوم را بعد از فروش نفت در کشور به خود اختصاص داده بود.

متاسفانه با تحریم استعمارگران اتحادیه آمریکا و اروپا که هدف شان شکستن چرخ دنده های اقتصادی کشور بود فرش ایران را در لیست تحریم ها قرار دادند اما مشکل به همین جا ختم‌نشد و با تصویب قانون (پیمان ارزی) و یک سری از سوء مدیریت‌ها این هنر چند هزار ساله و خانواده ی (۸ میلیون نفری) دچار چالش شدند.

در واقع با تصویب «قانون پیمان ارزی» ما جدا از تحریم دشمنان یک بار دیگر خودمان را تحریم کردیم ! با این قانون تجار باید به دولت تعهد ارزی بدهند یعنی ظرف ظرف ۶ ماه دلار به نرخ نیمایی به صندوق دولت برگردانیده شود و این کار غیر ممکن بود و به همین دلیل خانواده بزرگ فرش دستباف زمین گیر شدند. قطعا بافندگان زیادی داشتیم ،فرش تولید و از کشور برای پیدا کردن بازار خارج می‌شد. اما تمام مسیرهای ریلی، زمینی دچار تحریم بودند! بازار فرش ایران در خارج تحریم بود به همین‌دلیل تاجر فرش نمی توانست به راحتی بازاریابی کرده و ظرف ۶ ماه دلار را به نرخ نیمایی به صندوق دولت برگرداند و قطعا نیاز به زمان داشت تا آنها راه را برای فروش و رفع مشکل باز کنند اما با قانون(پیمان ارزی) این داستان کاملا قفل شد و در پی آن از هم گسیختگی زنجیر واری در خانوادهٔ فرش دستباف به وجود آمد.

فقط به همین بسنده می‌کنم که در شهرستان خمینی شهر از آغاز سال ۱۴۰۳ بسیاری از واحدهای، پشم ریسی تعطیل شدند یا با ظرفیت نصف با نگرانی و آینده ایی مبهم در حال کار هستند! و این اتفاق بالطبع برای کارگاه های رنگرزی، قالیبافی و اساتید در طراحی نقشه های فرش، تکرار شد.

به نظر شما تعطیل شدن کارگاه های قالی بافی تا چه حد می‌تواند آسیب های اجتماعی و اقتصادی به همراه داشته باشد؟

قطعا خیلی ؛ زنان و بانوان ایرانی میراث‌دار هنر اصیل فرش دستباف هستند.سالیان دور ،این هنر از مادر به دختر منتقل می‌شد.

کشور ما هم اکنون در مقابله با جنگ نرم می‌بایست آگاهانه تر عمل کند، ما امروز بیشتر از قبل نیازمند توجه به فرهنگ کار و خفظ اشتغال هستیم و عدم توجه به هنر فرش و صنایع دستی یعنی اینکه ما سنگرها را یکی یکی از دست می‌دهیم!

ممنون میشم بیشتر توضیح بدید؟

اگر کمی دقت کنید می‌بینید،مادری که در کنار دختران خود در خانه در حال بافت یک فرش است کمتر در معرض تهاجم فرهنگی قرار می‌گیرد چرا که به دلیل حضور همیشگی مادر در خانه، غذا همیشه آماده ،خانه مرتب و مادر منتظر رسیدن همسر و فرزندانش است. فرزندان در دل این خانواده احساس امنیت بیشتری می‌کنند و برای پیدا کردن یک مکان امن یا شغل کاذب هرگز آواره شهرهای کوچک و بزرگ نمی‌شوند و به این ترتیب آشیانه وکرامت خانواده‌ها پابرجا می‌ماند.

تنگدستی پلیدترین پدیده‌های یک جامعه است؛

تنگدستی پلیدترین پدیده‌های یک جامعه است ،مادر، در کنار حفظ کانون خانواده پشت دار قالی به نوعی در حال انجام یک فعالیت اقتصادی‌ست و در واقع یک سرباز مبارز در دفاع از اقتصاد کشور است . دهه ی ۷۰ یک مادر با اتمام بافت فرش دستباف خود می‌توانست جهیزیه یک دختر یا هزینهٔ ازدواج پسرش را تامین کند اما امروز چه؟با خود فکر کنید سرگردانی و بیکاری ۸ میلیون خانواده ی صنعت فرش بدون چشم انداز روشن در شهرهای کوچک و بزرگ می تواند چه آسیب‌ها و پیامدهای اجتماعی و روانی را با خود به همراه داشته باشد؟

خواسته ی شما از مسئولین به عنوان مدیری که در قلب «خانواده ی فرش دستباف» زندگی کرده و با مشکلات آنها آشناست چیست؟

پیام من یک جمله است «دست از سر فرش بردارید»!

صنف فرش دستباف از هیچ دولت و مسئولی کمک‌نمی‌خواهد ! اما امروز با اجرای قوانین غیر تخصصی، نزدیک به یک میلیون و پانصد بافنده در کشور و شش میلیون و پانصد نیروی اشتغال به کار، وابسته به این هنر را خانه نشین کرده اند.

دهه ی ۸۰ ،ایران رتبه ی اول دنیا را در صنعت فرش به خود اختصاص داده بود اما امروز استعمارگران با برنامه ریزی دقیق درصدد هستند تا فرش های هندی و چینی را جایگزین این هنر و صنعت اقتصادی چند هزار ساله ی کشورمان کنند. گرچه آنها هرگز نخواهند توانست فرش اصیل ایرانی را کپی و مانند آن را ببافند اما قوانین ضعیف و غیر تخصصی و مدیریت‌های معیوب می‌تواند خانوادهٔ ۸ میلیونی فرش کشور را به ورطهٔ نابودی و فراموشی بکشاند و کشورهایی که هیچ تاریخچهٔ پایداری در این هنر نداشته اند در نبود تاجران فرش ایرانی، بازار را برای خود تسخیر کنند.

به نظر من با توجه به جایگاه استراتژیک اقتصادی و ارز آوری فرش دستباف در کشور ،این صنعت‌نیاز به وزارتخانه دارد اما متاسفانه افرادی که در راس این کار در سازمان قرار دارند متخصص نیستند و احساس می‌شود فرش دستباف سهوا نه بلکه به عمد مورد بی مهری و کم توجهایی قرار گرفته است.

خانواده ی فرش، بارش روی دوش کسی نیست، نیاز به سرمایه‌گذاری، ساخت کارخانه ،تامین زمین یا بودجه‌های هنگفت ندارد، آلاینده نیست، از هیچ بانک یا موسسه مالی اعتباری، وام نمی‌خواهد ،فرش دستباف ایرانی یک پتانسیل بالفعل است که می‌بایست به پتانسیل بالقوه تبدیل بشود .

مسئولین همت کنند و قوانین دست و پاگیر را از جلوی پای فعالین اقتصادی فرش دستباف، بردارند . سپرده ی «پیمان ارزی «برای فعالین این صنعت یک تحریم داخلی محسوب می‌شود. زمانی که یک تاجر فرشی را از کشور خارج می‌کند قبل از آن می‌بایست به بافنده‌ها پولش را پرداخت کند آنهامی‌توانند بازار فروش خود را در خارج از مرز کشور پیدا کنند و برای تامین فرش‌های مورد نیاز خود دوباره از ایران خرید می کنند. فرش ما تپه‌های سیلک کاشان را از ۷۰۰۰ سال پیش تا به امروز در گذر قرن های متعدد طی کرده و ما می‌بایست امانت‌دار آن برای نسل‌های آینده باشیم.روز شاهد به قهقرا رفتن هنر فرش دستباف ایرانی هستیم.

شاید ژاپنی‌ها مدعی باشند که در جنگ اقتصادی برنده ی میدان هستند و توانسته اند با تکیه بر تکنولوژی و رشد اقتصادی خود آمریکا را شکست داده و تلفن پاناسونیک شان به روی میز رئیس جمهور آمریکا باشد اما من به عنوان یک ایرانی با افتخارمی‌گویم که فرش ایرانی یکی از فاخر ترین و گران سنگ‌ترین صنایع دستی دنیاست که در بسیاری از کاخ های جهان استفاده می شود. فرش هایی که در کاخ های ایران چون داستان صنعان و دختر ترسا،فرش سلاطین در نوع خود بی‌نظیر هستند.

عکس هایی که از ترامپ رئیس جمهور آمریکا منتشر شده فرش ایرانی درست پشت سر وی خود نمایی می کند و بیانگر این است که ایران وقتی اراده کند می‌تواند به راحتی هر مکانی را به تسخیر خود در آورد.فرش ایرانی در کاخ ریاست جمهوری اتریش، وزارت خارجه بریتانیا، موزه آرمیتاژ پترزبورگ روسیه، نشان از جایگاه ویژه این هنر در دنیا دارد.

ما در جنگ‌اقتصادی می بایست برای فرش ای رانی،بختیاری،قشقایی،خراسانی،کرمانی و...سربازان هنرمند خود را تا دندان مسلح کنیم و اگر غیر از این باشد با وجود ۱۴۴۹ تعاونی فرش دستباف، باز هم به قهقرا خواهیم رفت.

پیشنهاد شما برای احیای صنعت فرش دستباف چیست؟

چگونه می‌شود که برای احیای بازی های سنتی، مسئولان و پژوهشگران مردم شناسی و دستگاههای اجرایی بسیج می‌شوند ،هزینه های کلان می کنند تا از این طریق فرهنگ ،آداب و سنت های گذشته را زنده کنند اما هنری با پیشینه ی چند هزار ساله که به اندازه ۱۰ درصدسود فروش حاصل از صادرات نفت برای کشور ارزآوری دارد باید بی‌رحمانه زیر چرخ دنده‌های یک سری از قوانین نیم بند نابود شود ؟

همانطور که در ابتدای صحبت‌هایم گفتم در سال ۱۴۰۳ نیمی از شرکت‌ها و کارخانجات وابسته به این صنعت در خمینی شهر تعطیل و یا مجبور به تعدیل نیرو شدند ،قطعاً هیچ مسئولی جاری شدن اشک مادری که سرپرست و نان آور خانواده بوده یا اشک دختر یتیمی که آبرومندانه در حال خرید جهیزیه خود بوده را از نزدیک تجربه نکرده یا پدری که در کارخانه ریسندگی نخ فعالیت می‌کرده و با زبان بی‌زبانی به دنبال چرایی بیکاری خود می‌گشته. این بیکاری‌ها؛ اشک‌ها فقط برای تعطیل شدن یک کارگاه نیست بلکه مرثیه غمناکی برای نزدیک شدن به مرگ کامل صنعت فرش دستباف ایرانی است.

دولت باید دست از نگاه تولی‌گری، تصدیگری و مداخله‌گری در صنعت فرش دستباف بردارد و آن را به بخش خصوصی واگذار کند

اگر هم می‌خواهد متولی باشد فقط مانع زدایی کند چرا که بخش خصوصی در اتاق بازرگانی و تشکل‌ها خود می‌توانند به وظیفه ذاتی‌شان یعنی توسعه ی بازار فرش در خارج از مرزهای ایران عمل کنند. متاسفانه این روزها به دلیل عدم حضور مدیر متخصص در سازمان ملی فرش، زمان، انرژی و منابع صرف جلوگیری از تصویب قوانین اشتباه می‌گردد در صورتی که می‌بایست صرف توسعه این هنر شود.

کاهش ۹۰ درصدی صادرات فرش یعنی از دست رفتن اشتغال ،این موضوع جدا از آسیب‌های اقتصادی می‌تواند آسیب‌های اجتماعی جبران ناپذیری را در پی داشته باشد .امیدوارم در دولت دکتر پزشکیان رئیس جمهور منتخب ،در انتصاب مدیریت‌ها ی سازمان ملی فرش؛شایسته سالاری، شایسته یابی ،شایسته گزینی. شایسته گماری و شایسته پروری را در نظر بگیرند. شایسته سالاری به معنای انتصاب فردی است که مرتبط با این صنعت؛ تحصیلات تجربه کاری و توانمندی بیش از دیگران داشته و در واقع شایستگی رهبری ۸ میلیون جمعیت شاغل در این صنف را داشته باشد تا در آینده‌ای نزدیک شاهد رشد و شکوفایی صنعت فرش دستباف باشیم،و این مقدور نیست مگر از تجربیات کارآفرینان ،مدیران، نخبگان دانشگاهی و... استفاده کنیم .نمی‌شود ما در دانشگاه‌های خود رشته‌ای به نام رشته فرش داشته باشیم اما نتوانیم در حفظ اصالت و فرهنگ این هنر ناتوان عمل کنیم.

با تشکر از جناب مهندس عابدی امیدواریم به زودی زود در همین نشریه پیام آور اتفاقات خوبی برای هنر فرش دستباف ایرانی باشیم.

شهزاد بهادری